

## **Reforming Iran's land policies and removing its social barriers according to the Al-Faragh region theory**

**Mohammad Piran**

*Ph. D. Student in Political Science, Islamic Azad University, Shahreza, Iran.*

**Mohammad Hossein Mokhtari**

*Associate Professor Department of Philosophy and Theology, Imam Khomeini Educational and Research Institute, Qom, Iran (Corresponding Author). E- mail: mokhtari@iki.ac.ir*

**Esmacil Shafiee**

*Assistant Professor Department of Political Science, Islamic Azad University, Shahreza, Iran.*

The smallness and dispersion of agricultural land in our country prevent the optimal use of water and soil resources, putting at risk the food security of the nation. The religious beliefs of the whole require that structural changes in the process of economic development be based on their religious beliefs. Therefore, this research will explain the necessity of integrating and removing social barriers associated with the theory of Martyr Sadr, who was a jurist who mastered the political and governmental systems. With a document analysis research method, this study finds that some small land owners hinder integration by citing inheritance laws and the principle of private property. The social phenomenon generated by their social actions prevents implementation at the community level. According to the theory of Shahid Sadr, the government can eliminate the corruption of previous policies in the presence of the Al-Faragh region theory based on the interests of the Muslim community. To revoke the private ownership of small lands based on the "harmless rule" and curb the inheritance law while making changes in its implementation.

### ***Conflict of interest:***

ACCORDING TO THE AUTHORS, THE ARTICLE DID NOT HAVE ANY CONFLICT OF INTEREST.

**Key words:** *Al-Faragh Region Theory, Shahid Sadr, Social Barriers to Integration, Land Policy Reform.*

## اصلاح سیاست‌گذاری ارضی ایران و رفع موانع اجتماعی آن

### برطبق نظریه منطقه الفراغ

محمد پیران<sup>۱</sup>

محمدحسین مختاری<sup>۲</sup>

اسماعیل شفیعی<sup>۳</sup>

تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۱۴۰۲/۱۰/۲۰

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۹/۷

### چکیده

خردی و پراکندگی زمین‌های کشاورزی مانع استفاده بهینه از منابع آب و خاک شده، امنیت غذایی کشورمان را به مخاطره می‌اندازد. اعتقادات مذهبی قاطبه ملت اقتضا می‌کند که ایجاد تغییرات ساختاری در فرایند توسعه اقتصادی بر مبنای باورهای دینی آنان باشد. از این رو، مقاله حاضر ضرورت یکپارچه‌سازی و رفع موانع اجتماعی آن را در چارچوب نظریه شهید صدر تبیین نموده که فقیهی مسلط بر مسائل نظام سیاسی و حکومتی بود. موضوع با روش تحلیل اسنادی تجزیه و تحلیل شده، یافته‌های تحقیق نشان می‌دهند: برخی از مالکین اراضی خرد به استناد قانون مالکیت خصوصی و احکام ارث مانع اجرای یکپارچه‌سازی می‌شوند. پدیده اجتماعی ناشی از کنش اجتماعی آن‌ها مانع اجرای طرح در سطح جامعه می‌شود. بر طبق نظریه شهید صدر، حکومت می‌تواند بنا بر مصلحت جامعه مسلمین مفسده سیاست‌گذاری‌های قبلی را در ظرف وجودی منطقه الفراغ منتفی سازد. مالکیت خصوصی افراد بر اراضی خرد را به استناد «قاعده لاضرر» سلب کند و قانون ارث را ضمن ایجاد تغییر در نحوه اجرای آن مهار نماید.

واژگان کلیدی: اصلاح سیاست‌گذاری ارضی، شهید صدر، نظریه منطقه الفراغ، موانع اجتماعی یکپارچه‌سازی.

۱. دانشجوی دکتری علوم سیاسی، واحد شهرضا، دانشگاه آزاد اسلامی، شهرضا، ایران.

۲. دانشیار گروه فلسفه و کلام، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، قم، ایران (نویسنده مسئول).

E-mail: mokhtari@iki.ac.ir

۳. استادیار گروه علوم سیاسی، واحد شهرضا، دانشگاه آزاد اسلامی، شهرضا، ایران.

## مقدمه

تأمین مواد غذایی یکی از مهم‌ترین مسائل جهان امروز است. کشور ما بیش از ۱۸ میلیون هکتار زمین کشاورزی دارد که اغلب به صورت قطعات خرد و پراکنده مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرند. کوچکی و پراکندگی زمین‌ها، مانع استفاده بهینه از منابع آب و خاک می‌شود و امنیت غذایی کشورمان را به مخاطره می‌اندازد. تقطیع اراضی در ایران به اجرای برنامه اصلاحات ارضی در رژیم گذشته باز می‌گردد که مالکیت زمین‌های کشاورزی به نام روستائیان در ابعادی خرد و پراکنده صورت گرفت که در ساختار سهم بری نظام ارباب-رعیتی معمول بود. پس از پیروزی انقلاب نیز تقسیم اراضی با شعار برقراری عدالت اجتماعی منجر به خردی و پراکندگی بیشتر گردید. قطعات تقسیم شده، در اثر اجرای قانون ارث پس از فوت کشاورزان در هر نسل کوچک‌تر و پراکنده‌تر می‌شوند. به طوری که در تولید محصولات مهم و استراتژیک از قبیل نهاده‌های دامی، دانه‌های روغنی، برنج و پنبه وضعیت تأسف باری داریم. بر طبق آمار بانک مرکزی، واردات بخش کشاورزی ایران از ۱۳۰۴۷/۴ هزار تن در سال ۱۳۹۰ به ۳۱۴۸۸/۶ هزار تن در سال ۱۴۰۰ رسید. معضل تقطیع از علل اصلی وابستگی در این بخش است.

کشورهایی که در بخش کشاورزی به خودکفایی رسیده‌اند، تجربیات موفق آن‌ها مبتنی بر یکپارچه‌سازی قطعات خرد و پراکنده است. در کشور ما، عدم همکاری برخی از مالکان زمین‌های کوچک و استناد آن‌ها به قانون مالکیت خصوصی، مانع اجرای طرح یکپارچه‌سازی در سطح یک روستا می‌شود. قانون ارث نیز به عنوان یکی از اسباب مالکیت زمین از موانع اصلی یکپارچه‌سازی محسوب می‌شود. کنش اجتماعی افراد به استناد قوانین مذکور منجر به شکل‌گیری یک پدیده اجتماعی شده که پیامد اجتماعی آن ورود خسارت به افراد کل جامعه است. قانون ارث مبنای قرآنی دارد و مبنای فقهی قانون مالکیت خصوصی، «قاعده تسلیط» است. حکومت بر دین‌داران اقتضا می‌کند که راه‌حل مسئله با اعتقادات دینی آنان سازگار باشد؛ بنابراین، مسئله تحقیق یافتن راهکاری سازگار با اعتقادات مذهبی قاطبه مردم ایران برای اصلاح سیاست‌گذاری ارضی و رفع موانع آن است. برای این منظور، بررسی موضوع برطبق نظریه شهید صدر رویکرد مناسبی است. زیرا ایشان یکی از فقهای معاصر است که در آثار خود دیدگاه اسلام را در عرصه‌های مختلف متناسب با مقتضیات زمان عرضه می‌کند. نظریه «منطقه الفراغ» را در کتاب اقتصادنا مطرح کرده، و در این کتاب نوشته است: ارزیابی کامل مکتب اقتصادی اسلام، بدون در نظر گرفتن منطقه الفراغ امکان ندارد. احکام و قوانین وضع شده در قلمرو منطقه الفراغ از سنخ احکام

۱. در نظام ارباب-رعیتی؛ توپوگرافی زمین، شیب زمین، کیفیت خاک، فاصله مکانی از روستا و دسترسی به آب از عوامل عدم پیوستگی اراضی بود. این نظام با مدیریت خاص خود تعادل بین واحدهای بهره‌برداری از لحاظ استفاده از زمین‌های مرغوب و نامرغوب، دوری و نزدیکی و پراکنش آن‌ها را منطقی می‌نمود. چرا که واگذاری قطعات متعدد و در مساحت‌های کوچک از زمین‌های خوب و بد، مرغوب و نامرغوب به هر یک از کشاورزان صاحب نسق، نه تنها ضرری متوجه ارباب نمی‌کرد بلکه با متفی ساختن اختلافات احتمالی بین رعایا، علاوه بر ایجاد رقابت در روش سنتی تولید، نظارت ارباب و عواملش را نیز تسهیل می‌نمود.

متغیر است. حاکم اسلامی می‌تواند در این منطقه خالی از احکام ثابت شرعی، قواعد و احکام قبلی را بنا بر مصلحت جامعه مسلمین و با در نظر گرفتن ضوابطی تغییر دهد و اصلاح نماید.

### پیشینه تحقیق

پژوهش‌های مربوط به سیاست‌گذاری ارضی را می‌توان به دو دوره کلی تقسیم کرد: پژوهش‌هایی که پیش از انقلاب اسلامی ایران و پژوهش‌هایی که پس از انقلاب صورت گرفته‌اند. پژوهش‌های پیش از انقلاب، عمدتاً نگاهی مثبت به این فرایند دارند و وقوع آن را ضروری قلمداد می‌کنند. تکیه غالب آن‌ها بر صنعتی شدن کشور و ورود به دروازه تمدن بزرگ است. به ویژه، در راستای مکانیزه نمودن کشاورزی در ایران توجیه می‌شود. برای مثال، خانم لمبتون پارسی‌دان انگلیسی و پروفیسور ایران‌شناسی در دانشگاه لندن از مأموران برجسته اطلاعاتی در ایران بود که به بسیاری از مناطق ایران سفر کرد. در کتاب هفده فصلی خود تحت عنوان اصلاحات ارضی در ایران به این موضوع پرداخته است. بنا به ملاحظات سیاسی، اصلاحات ارضی شاه را مهم‌ترین رویدادی می‌داند که پس از انقلاب مشروطه روی داده است. معضل تقطیع و افول تولیدات کشاورزی را نادیده گرفته است (۱۸: ۳۵۶-۳۴۲). سوداگر کتاب نظام ارباب- رعیتی را در سال ۱۳۵۶ نوشته و علت خردی و پراکندگی زمین‌های زراعی را نسق‌بندی آن‌ها در نظام ارباب- رعیتی ذکر کرده است (۳۰: ۱۵۷-۱۵۶). اما هیچ‌گونه انتقادی به برنامه اصلاحات ارضی شاه در مورد انتقال مالکیت اراضی بر مبنای انساق زراعی نکرده است! اربک هوگلاند از جمله معدود پژوهشگرانی است که کار خود را به واسطه حضور چندین ساله در روستاهای ایران بنا بر مشاهدات میدانی انجام داده است. به گفته هوگلاند، در سال‌های میانی قرن بیستم سلسله‌مراتبی از گروه‌های اجتماعی متمایز در روستاها شکل گرفته بود. در رأس این سلسله‌مراتب مالکان و مباشران آن‌ها و در لایه میانی گروه‌های مختلفی از واسطه‌ها بودند. اکثریت روستائینان، اعم از روستائینان برخوردار از حقوق سنتی سهم‌بری و خوش‌نشینان در ته این هرم قرار داشتند (۱۰: ۳۰). هوگلاند به رغم انتقادهای متعدد به برنامه اصلاحات ارضی شاه، از برجسته کردن پدیده خردی و پراکندگی زمین‌های کشاورزی غافل مانده است.

در پژوهش‌های پس از انقلاب، نگاه بی‌طرفانه‌تری به این رویداد مشاهده می‌شود. از آن جمله؛ افتخاری در مقاله «بررسی دیدگاه‌های مختلف در ارتباط با فرایند یکپارچه‌سازی اراضی زراعی»، مزایا و معایب پراکنش و یکپارچگی اراضی را تشریح کرده است (۵: ۱۶۵-۱۵۰). تقوایی در مقاله «معرفی و مقایسه زمانی- مکانی عوامل مؤثر در خردشدن و پراکندگی اراضی زراعی و مسئله یکپارچه‌سازی»، نوزده مورد درباره یکپارچه‌سازی مطرح کرده و به کارشناسان توصیه می‌کند که در امر یکپارچه‌سازی اراضی به آن موارد توجه کنند (۳۳: ۳۵-۳۰). کلاتری و همکاران او در مقاله «ساماندهی و یکپارچه‌سازی اراضی کشاورزی با استفاده از تجارب کشورهای اروپایی شرقی»، با رویکردی کلان‌نگر سعی در بررسی

مسئله یکپارچه‌سازی اراضی دارد و استفاده از تجارب کشورهای اروپایی شرقی را پیشنهاد می‌کند (۹۵-۶۸). اکبرپور و میرزایی قلعه در کتاب اصلاحات ارضی و توسعه روستایی نوشته‌اند که واکاوی و پژوهش در عرصه روستا بدون آگاهی از اصولی که توسعه روستایی هر کشور بر آن استوار است، راه به جایی نخواهد برد. گاهی بین این اصول و اصول اعتقادی و فرهنگی کشوری خاص تضادهایی وجود دارد (۱: ۱۵۱).

در پژوهش‌های پیشین، عوامل تأثیرگذار اجتماعی ناشی از اعتقادات مذهبی مردم ایران را در نظر نگرفته‌اند. تحقیقات آن‌ها بر مبنای دگرگونی‌های ساختاری در جوامع غربی یا شرقی بوده، تحلیل هیچ یک از آن‌ها متناسب با ساختار اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی کشور ما نیست. راهکاری متناسب با ساختار اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی کشورمان ارائه نکرده‌اند. از این جهت، حل مسئله بر اساس نظریه شهید صدر جنبه نوآوری تحقیق حاضر است.

### مفاهیم و مباحث مرتبط با موضوع

#### سیاست‌گذاری ارضی

فرایند تصمیم‌گیری در مورد یک راهکار برای رسیدن به یک هدف مشخص را سیاست‌گذاری گویند. سیاست‌گذاری عمومی، مجموعه اقداماتی است که بر اساس خردگرایی کامل یا محدود طی فرایندی برای حل یک مسئله عمومی صورت می‌گیرد. این اقدامات طی فرایند تهیه دستور کار، تدوین سیاست، اتخاذ سیاست، تحقق سیاست و برآورد سیاست انجام می‌گیرد. آخرین مرحله (برآورد سیاست) به مرحله اول (تهیه دستور کار) و مراحل میانی متصل است. نوع این ارتباط به صورت یک چرخه یا دور غیرخطی از اقدامات است (۲۳: ۴۵). سیاست‌گذاری ارضی، یک نوع سیاست‌گذاری عمومی در مورد زمین‌های کشاورزی یک کشور محسوب می‌شود.

خردی و پراکندگی زمین‌های کشاورزی و معایب آن: تقطیع اراضی، خردی و پراکندگی زمین‌های کشاورزی را در ذهن شنونده تداعی می‌کند (۳: ۲۰). مطابق فرهنگ آکسفورد، اشاره به جدا شدن اجزاء از کل است. خردی و پراکندگی زمین‌ها ناشی از تقسیم و قطعه قطعه شدن آن‌هاست. پدیده‌ای که در آن، یک مزرعه واحد شامل تعداد زیادی قطعات کوچک و جدا از هم می‌شود. کوچکی و پراکندگی زمین‌های کشاورزی کارایی عوامل تولید را تقلیل داده، مانع استفاده بهینه از منابع آب و خاک می‌شود. برای مثال:

- گاهی اوقاف مساحت زمین به قدری کوچک است که حتی امکان استفاده از گاو برای شخم زدن وجود ندارد، چه رسد به استفاده از تراکتور یا سایر ماشین‌آلات.

- احداث راه‌های بین مزارع و ایجاد انهار فرعی و مرزبندی بین قطعات موجب از بین رفتن قسمتی از اراضی زراعی هر واحد بهره‌برداری می‌شود.

- نهرهای آبرسانی سنتی در بین واحدهای بهره‌برداری متعدد موجب اتلاف آب می‌شود.

- اتلاف وقت، هزینه‌های اضافی رفت‌وآمد و حمل و نقل نهاده‌های کشاورزی و محصولات تولیدی در ایام کاشت، داشت و برداشت.
- ممانعت از انجام عملیات زیربنائی مانند احداث سدها، شبکه‌های آبرسانی، زهکشی، تسطیح، جاده‌های بین مزارع.

### عوامل اصلی خردی و پراکندگی زمین‌های کشاورزی در ایران

۱) برنامه اصلاحات ارضی در رژیم پهلوی: خردی و پراکندگی اراضی کشاورزی در ایران به نحوه اجرای برنامه اصلاحات ارضی در رژیم گذشته باز می‌گردد. تقویت جایگاه اجتماعی شاه در مناطق روستایی و اجرای دکنترین کندی مبنی بر جلوگیری از خطر کمونیسیم از علل عمده شکل‌گیری آن بود (۴: ۳۷۲). قبل از اصلاحات ارضی، نظام ارباب- رعیتی حاکم بود. رعایا با چهارپایان و اعضای خانواده خودشان در قطعات کوچک و پراکنده‌ای کار می‌کردند که ارباب بر مبنای شیب زمین، کیفیت خاک، دوری و نزدیکی از روستا و دسترسی به آب مابین آن‌ها تقسیم کرده بود و سهم اربابی را از محصولات آن‌ها بر می‌داشت. جهت تسریع و تسهیل در اجرای برنامه اصلاحات ارضی، مالکیت بر اساس ساختار سهم‌بری در نظام ارباب- رعیتی یعنی در قطعات خرد و پراکنده منتقل گردید. به بیان دیگر، قطعات واگذاری کارشناسی شده نبود تا دارای ابعاد مناسب برای کشاورزی با وسایل و ماشین‌آلات امروزی باشد. برنامه اصلاحات ارضی شاه در یک مقطع زمانی اجرا و مختومه گردید. اما از نظر وسعت، مؤثرترین عامل خردی و پراکندگی زمین‌های کشاورزی در ایران بود.

۲) تقسیم اراضی بعد از پیروزی انقلاب اسلامی: به رغم تقسیم اراضی در دهه چهل، زمین‌دارانی بودند که در بعضی مناطق مالک قطعات نسبتاً بزرگی بودند. پس از پیروزی انقلاب، روستائیان فاقد زمین اراضی آن‌ها را تصرف کردند و منجر به هرج و مرج گردید. در گنبد و کردستان درگیری‌های مسلحانه شکل گرفت؛ لذا در همان روزها، باز توزیع اراضی در دستور کار نهادهای حاکمیتی قرار گرفت. قوانینی در شورای انقلاب و مجلس شورای اسلامی تصویب و توسط هیئت‌های هفت نفره به اجرا گذاشته شد. سیاست‌گذاری ارضی در این دوره که متأثر از فضای سیاسی داخلی و با شعار برقراری عدالت اجتماعی بود، ناظر بر خردتر شدن قطعات زراعی است.

۳) قانون ارث: اجرای قانون ارث با توجه به ابعاد مذهبی آن و رشد جمعیت، مهم‌ترین عامل تقسیم و پراکندگی اراضی زارعین بعد از فوت آن‌هاست. در ایران، سالیانه در حدود دویست هزار هکتار از اراضی کشاورزی مورثین مابین وراث آن‌ها تقسیم می‌شود (۸: ۲۳۲). تداوم اجرای این قانون، پس از یکپارچه- سازی زمین‌ها نیز موجب تقسیم مجدد آن‌ها خواهد شد.

### یکپارچه سازی اراضی و محاسن آن

یکپارچه سازی اراضی عبارت است از این که؛ اراضی پراکنده ای که در یک ناحیه تحت مالکیت یک یا چند مالک قرار دارد، در ابعاد و مساحت های بهینه تجمیع شده، به صورت یکپارچه زیر کشت بروند (۲۹: ۲۲۹). در این پژوهش منظور از یکپارچه سازی اراضی کشاورزی این است که زمین های کوچک به گونه ای کنار هم قرار گیرند که عملیات کاشت، داشت و برداشت با روش های امروزی قابل انجام باشد. ساماندهی و یکپارچه سازی زمین ها، معایب خردی و پراکندگی را برطرف می کند. موجبات افزایش کارایی و راندمان عوامل تولید شده، خودکفایی و امنیت غذایی را فراهم می سازد. در راستای عدم وابستگی به بیگانگان و بی اثر کردن تحریم هاست.

### موانع اجتماعی یکپارچه سازی اراضی

قانون مالکیت خصوصی و قانون ارث موانع اصلی یکپارچه سازی اراضی کشاورزی هستند. عدم همکاری مالکان اراضی کوچک به استناد قانون مالکیت خصوصی و استناد وراثت متوفی به قانون ارث به عنوان یکی از اسباب مالکیت زمین، مانع اجرای یکپارچه سازی می شود. به کنش های آن ها که در حضور دیگران و با توجه به آن ها انجام می شود، کنش های اجتماعی می گویند. کنش اجتماعی خردترین پدیده اجتماعی است. به کنش های اجتماعی و پیامدهای آن پدیده اجتماعی می گویند. به اعتقاد دورکیم پدیده های اجتماعی ویژگی ها و عوامل تعیین کننده ای دارند که عبارت اند از:

(۱) خارجی بودن: منظور از خارجی بودن واقعیت های اجتماعی موجودیت آن است خارج از اراده و اختیار اعضای جامعه؛ یعنی اموری در جامعه یافت می شود که نه زاده فکر و احساس فرد یا افراد معینی است و نه افراد در به وجود آمدن آن ها نقشی داشته اند (۲۸: ۱۱۰-۱۰۹). افراد جامعه، الگوها و هنجارهای اجتماعی را در فرایند اجتماعی شدن از جامعه اخذ می کنند و به این ترتیب عناصر خارجی را که در موجودیت فیزیکی و روانی آن ها وجود ندارد در خویش وارد می کنند (۲۱: ۱۵).

(۲) جبری بودن: جبری بودن پدیده های اجتماعی از آن جهت است که افراد موظف به رعایت آن ها هستند (۷: ۱۲۲). مقررات و قواعد ناشی از این امور بر فرد تحمیل می شود. به عبارت دیگر امور اجتماعی از آن جا که خارج از فرد قرار دارند و از اراده و اختیار او نیز خارج می باشند حالت جبری دارند (۳۳: ۱۱۱).

(۳) عمومیت داشتن: پدیده های اجتماعی به علت آن که اجتماعی هستند عمومیت دارند و اجتماعی بودن آن ها به دلیل عمومیت داشتن آن ها نیست. در حقیقت عام بودن آن برای این است که جمعی است. به عبارت دیگر پدیده جمعی حالتی گروهی است که چون بر همه افراد تحمیل می شود در همه به نحو مکرر به چشم می خورد. چون در کل است در جزء نیز هست، نه این که چون در اجزاء هست در کل هم یافت می شود (۴: ۳۳).

### مبنای نظری پژوهش نظریه «منطقه الفراغ»

نظریه‌ای در فقه شیعه که از وجود قلمروی فاقد حکم شرعی در دین خبر می‌دهد. این نظریه را شهید محمدباقر صدر در کتاب اقتصادنا مطرح کرده است. طبق این نظریه، دین به حاکم اسلامی اجازه داده تا در برخی مسائل اجتماعی، با در نظر گرفتن ضوابطی و با توجه به نیازهای هر زمان، حکم و قانون وضع کند (۲۶: ۴۴۳). شهید صدر بر ضرورت وجود منطقه الفراغ در دین اسلام تأکید کرده، در کتاب اقتصادنا نوشته است: ارزیابی کامل مکتب اقتصادی اسلام، بدون در نظر گرفتن منطقه الفراغ امکان ندارد. به باور او، غفلت از منطقه فاقد حکم در اسلام به معنای نادیده گرفتن بخش مهمی از عناصر مکتب اقتصاد اسلامی است (۲۶: ۴۴۴). شهید صدر دو نوع رابطه را که می‌تواند موضوع قواعد یا احکام قرار گیرد، از هم جدا می‌سازد. دسته اول بر روابط اشخاص با یکدیگر ناظر است. روابط انسان با هم‌نوعش ثابت بوده و دارای تغییر نیست. در حوزه این روابط، حکم و جوب یا حرمت اعمال از سوی شارع صادر شده است (حوزه احکام شرعی)، و قابل تغییر نیستند. دسته دوم بر روابط انسان با طبیعت ناظر است. این نوع رابطه، تغییر و تبدل دارد. یعنی به لحاظ تغییراتی که در میزان سیطره انسان بر طبیعت پدید می‌آید، قواعد هم تغییر می‌کنند. در این حوزه، احکام حکومتی از سوی ولی امر و برای پاسخگویی به جنبه‌های متغیر اجتماعی صادر می‌شود (۲۴: ۶۸۹). شهید صدر، حوزه نیازها و پاسخ‌های دگرگون شونده را «قلمرو ترخیص» یا «منطقه الفراغ» نامیده است و بیان می‌دارد که قانون‌گذاری این بخش از روابط اجتماعی بر عهده حکومت است (۲۷: ۶۸۶).

شهید صدر در این باره می‌نویسد: هر فعل بر اساس تشریحی مباح است؛ بنابراین هر فعالیت و عملی که نص تشریحی بر حرمت و یا وجوب آن دلالت نکند، ولی امر می‌تواند با دادن صفت ثانوی، از آن منع یا به آن امر کند. برای نمونه، حکم اولیه عبور از خیابان مباح است. اما ممکن است حاکم به جهت دفع حرج، عبور از بعضی خیابان‌ها را ممنوع و حرام اعلام نماید (۲۷: ۶۸۹). به طور خلاصه می‌توان گفت که ماهیت حکم حکومتی در اندیشه شهید صدر از سنخ احکام ثانویه است و قلمرو آن منطقه الفراغ است.

مستندات قرآنی شهید صدر برای اثبات نظریه منطقه الفراغ: شهید صدر دلالت آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ» (نساء/ ۵۹) را چنین بیان می‌کند: «أَطِيعُوا اللَّهَ» در حوزه اطاعت از دستور خدا در احکام الزامی و «أَطِيعُوا الرَّسُولَ» در حوزه دستورات غیر الزامی است که «رسول» بر اساس شأن حاکمیتی خود صادر نموده، نه از جهت این که مبلغ و حاکی فرامین خداست. واژه «أُولَى الْأَمْرِ» بلافاصله بعد از آن‌ها آمده تا نشان دهد که تبعیت از احکام حکومتی، مخصوص فرامین حکومتی رسول‌الله نمی‌باشد و اگر غیر رسول‌الله نیز کسی حاکم جامعه اسلامی بود، باید از دستورات حکومتی وی اطاعت کرد (۲۷: ۶۹۰-۶۸۹).



آیه «الَّذِينَ أُؤْتُوا أَوْلَادًا بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ؛ پیغمبر اولی و سزاوارتر به مؤمنان است از خود آنها» (احزاب/ ۶). یعنی مؤمنان باید حکم و اراده آن جناب را مقدم بر اراده خود بدانند و از جان و مال در اطاعتش مضایقه نکنند. شهید صدر، اولویت داشتن دستورات حکومتی پیامبر بر اختیار مردم را در قلمروی منطقه الفراغ می‌داند؛ لذا بیان می‌کند که مردم در این حوزه که احکام الزام‌آور شرعی ندارد، مختار و آزادند که به دلخواه خود عمل کنند. اما از آن جا که حاکم مسلمانان اولی و سزاوارتر به آنهاست، می‌تواند قوانین الزام‌آوری را برای آنها وضع نماید. هر فعالیت و عملی که نص تشریحی بر حرمت یا وجوب آن دلالت نکند ولی امر می‌تواند با دادن صفت ثانوی، از آن منع یا به آن امر کند (۲۷: ۷۲۶-۶۸۹). مثلاً برای هر فرد هزینه کردن بخشی از اموال شخصی در مصارف عمومی، مستحب است و حرمتی در آن نیست. ولی امر می‌تواند بنا بر مصلحت جامعه، آن را به صورت مالیات معینی بر هر کس واجب کند. والی می‌تواند در مورد هر عملی که اولاً و بالذات از نظر شرع مباح است، حکم حکومتی صادر کند. اما او نمی‌تواند عملی مانند ربا را که شرع حرام کرده، مجاز کند یا عملی مانند نفقه زوجه را که در شرع واجب شده، ممنوع کند. زیرا پیروی از حکومت تا آن جا واجب است که با اطاعت از خدا و احکام او معارض نباشد (۲۷: ۷۲۵).

### روش تحقیق

برای گردآوری داده‌های تحقیق از داده‌های ثانویه یعنی اسناد و مدارک گذشته استفاده شده است. این نحوه گردآوری داده‌ها به «روش تحلیل اسنادی» معروف است. فرایند نظم‌دهی، ساختاردهی و معنادگی به حجم انبوهی از اطلاعات جمع‌آوری شده که از انواع روش‌های کیفی محسوب می‌شود. به منظور دقت بیشتر در جمع‌آوری اطلاعات، قبل از مطالعه اسناد چک لیستی تهیه شد که با استفاده از آن کار جمع‌آوری اطلاعات دقیق‌تر و جامع‌تر صورت گیرد. این چک لیست شامل مؤلفه‌هایی همانند رویکرد تحقیق، اهداف، جامعه و روش تحقیق بوده، و محتوا و موارد آن بر اساس مطالعه کتاب‌ها و مقالات مربوطه، منحصر به موضوع اصلاح سیاست‌گذاری ارضی ایران در چارچوب نظریه منطقه الفراغ بوده است.

### یافته‌های تحقیق

پژوهش حاضر ضمن بررسی داده‌های جمع‌آوری شده، در ادامه یافته‌های تحقیق را به ترتیب ذیل ارائه می‌کند:

## تغییرپذیری احکام و قواعد در منطقه الفراغ

«منطقه الفراغ» به حوزه‌ای از شریعت اسلامی ناظر است که به سبب ماهیت متغیر آن، احکام صادره و قواعد وضع شده در آن حوزه تغییرپذیرند. عدم وضع قواعد ثابت، از ماهیت متغیر و متطور منطقه الفراغ ناشی می‌شود. به بیان دیگر، موضوعات و عناوین در این حوزه خود قابلیت پذیرش احکام ثابت را ندارند. نه این که شارع، قانون‌گذاری در آن‌ها را مهمل گذاشته باشد؛ بلکه این مسئله در هماهنگی قواعد و مقررات با اهداف کلی شریعت ریشه دارد. یعنی وضع به گونه‌ای متغیر است که اگر احکام ثابت بر آن اعتبار شود، در صورت دگرگونی در اوضاع و احوال، با اهداف شریعت منافات می‌یابد. چه بسا پیامبر (ص) به لحاظ مقام ولایت امر و نه مبلغ شریعت، از چیزی نهی یا بدان امر کرده باشد. قواعدی که آن حضرت در این منطقه وضع کرده، قابلیت تغییر از سوی اولیای امور بعدی را خواهد داشت. ولی امر و دولت اسلامی می‌تواند در برخورد با این احکام و روایات حاکی از این احکام، آن قواعد را بنا بر مصلحت جامعه مسلمین با رعایت ضوابطی تغییر دهد. ولی توجه به آن‌ها به فهم اهداف اساسی و سیاست اقتصادی کمک می‌کند (۲۷: ۴۴۳).

برای نمونه همان طور که در فقه آمده، زمین موات از آن امام (دولت) است. در این مطلب، نه تنها اختلافی نیست؛ بلکه اجماع نیز وجود دارد (۲۷: ۶۸). پیامبر و امامان معصوم با توجه به اوضاع و احوال زمان خویش، حکم فرموده‌اند: «مَنْ أَحْيَا أَرْضًا مَوَاتًا فَهِيَ لَهُ؛ هر کس زمین مواتی را آباد کند، پس مالک آن زمین است» (۹: ۴۱۲-۴۱۱). در صدر اسلام، چنین حکمی موجه و متین بود. یعنی اگر کسی زمین‌های موات را با امکانات محدود خود آباد می‌کرد، صاحب حق بود. اما در زمان حاضر که یک شخص می‌تواند با ابزار پیشرفته، زمین‌های زیادی را احیاء کند. ابقای این اباحه، باعث بر هم خوردن عدالت اجتماعی می‌شود. از این رو، حاکم اسلامی، احیای زمین بیش از یک حد معین را ممنوع می‌کند (۲۷: ۶۸۸).

شهید صدر در بیان نمونه دیگر، می‌نویسد: «آن حضرت مردم مدینه را از عدم واگذاری آب‌های زاید بر نیازشان منع کردند» (۱۶: ۲۹۴). در حالی که، می‌دانیم اجتناب افراد از واگذاری اموال زاید بر نیازشان، ممنوع و حرام نیست. معلوم می‌شود که منع و نهی پیامبر به عنوان رئیس دولت اسلامی و به دلیل اوضاع خاص آن روزگار صورت گرفته است. چه آن که، مدینه در آن زمان نیاز شدیدی به رشد کشاورزی و دامداری داشت و کمبود آب اقتضا می‌کرد مسلمانان آب‌های مازاد خود را که در حال عادی ملزم به واگذاری آن نیستند، در اختیار دیگران قرار دهند (۲۷: ۶۹۰). نهی آن حضرت نص تشریحی نبود؛ بلکه حکم حاکم بود. بر طبق نظریه منطقه الفراغ، با تغییر شرایط قابل تغییر است. حکم جدید نیز یک حکم موقتی و بر اساس مصالح متغیر محسوب می‌شود. اما اصل مشروعیت چنین احکامی از سوی ولی فقیه و وجوب پیروی از آن‌ها، حکم ثابت دین است. زیرا، نیازهای متغیر زندگی بشر را سامان می‌دهد.

### ضرورت یکپارچه‌سازی برطبق عقل و اهداف آیات و روایات

۱) ملازمه میان حکم عقل و شرع: در علم اصول فقه قاعده‌ای است که به قاعده ملازمه معروف است. «كُلُّ مَا حَكَمَ بِهِ الشَّرْعُ حَكَمَ بِهِ الْعَقْلُ؛ هرچه را عقل حکم کند، شرع هم حکم می‌کند». اگر عقل بدیهی حکم به حسن عملی کند شرع نیز حکم بر آن خواهد داد. عقل یکی از ادله چهارگانه استنباط احکام در فقه امامیه است. امام کاظم (ع) می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ عَلَى النَّاسِ حُجَّتَيْنِ: حُجَّةً ظَاهِرَةً، وَ حُجَّةً بَاطِنَةً، فَأَمَّا الظَّاهِرَةُ فَالرُّسُلُ وَ الْأَنْبِيَاءُ وَ الْأَثَمَةُ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، وَ أَمَّا الْبَاطِنَةُ فَالْعُقُولُ؛ از سوی خداوند دو حجت بر مردم قرار داده شد حجت ظاهری و حجت باطنی، اما حجت ظاهری انبیاء و ائمه می‌باشند و حجت باطنی عقل است» (۱۶: ۲۵). پس عقل پیامبر درونی است و همانند پیامبر بیرونی یعنی انبیاء و امامان (ع) که حجت الهی‌اند و نمی‌توانند در تعارض با هم باشند. زیرا دو حجت الهی هماهنگ و حکم هر دو یکسان خواهد بود.

کشورهایی که به حکم عقل اقدام به یکپارچه‌سازی زمین‌های خرد و پراکنده کشاورزی کرده بودند، در بخش کشاورزی به مراحل خودکفایی و صادرات محصولات کشاورزی رسیده‌اند. وقتی عقلای عالم با عقل خود روایی یا ناروایی عملی را درک کرده‌اند، قهراً شارع که خود رئیس عقلاست این حکم را خواهد داد.

۲) جهت‌دهی احکام ثابت شریعت در آیات و روایات: شهید صدر معتقد است که بخشی از احکام اسلامی که از جانب شارع در پاسخ به نیازهای ثابت بشر وضع شده (احکام الزام‌آور شرعی)، ثابت و غیر قابل تغییرند. اما بخش دیگر بر طبق دگرگونی‌ها و تغییر اوضاع و احوال قابل تغییرند. اسلام به ولی‌امر مسلمین اجازه داده که این احکام را در قلمرو منطقه الفراغ، بر طبق مصلحت‌ها و نیازهای متغیر جامعه و در پرتو احکام ثابت شریعت جعل کند (۲۴: ۴۳-۴۴).

از سخنان شهید صدر بر می‌آید که برخی از آیات الهی و روایات معصومین سمت و سوی واحدی داشته، در پی محقق ساختن اهدافی هستند و جهت‌دهی می‌نمایند. چنان که اهداف شارع در آیات و روایات متعدد مبنی بر نفی سلطه بیگانگان، افزایش قدرت اقتصادی و نهی از ضرر و ضرار، ضرورت یکپارچه‌سازی اراضی خرد و پراکنده کشاورزی را ایجاب می‌کند.

نفی سلطه بیگانگان: خداوند می‌فرماید: «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا؛ و خداوند هیچ‌گاه برای کافران نسبت به اهل ایمان راه تسلط باز نخواهد نمود» (نساء/ ۱۴۱). آیه هرگونه استیلا و سلطه کافران بر مؤمنان را نفی کند. فقها از این آیه، قاعده نفی سبیل را استخراج کرده‌اند. این عدم سبیل و سلطه در دنیا و آخرت از سوی کفار، مادامی است که مؤمنان به لوازم ایمان خود ملتزم باشند (۳۱: ۱۱۶). از پیامبر اکرم (ص) نیز روایت شده است که فرمود: «الاسلامُ يعلو ولا يُعلَى عَلَيْهِ؛ اسلام برتر است و چیزی بر آن برتری ندارد» (۲۲: ۲۰۶). این حدیث بیانگر قاعده‌ای عام است که بر اساس آن در هر حکمی باید برتری اسلام لحاظ شود محتوای این روایت، آیه نفی سبیل را تأیید کرده است (۱۲: ۵۹۶).

خردی و پراکندگی اراضی کشاورزی از موانع اصلی خودکفایی در بخش کشاورزی محسوب می‌شود. تا زمانی که کشور ما در تولید محصولات کشاورزی به خودکفایی نرسیده، در معرض دخالت و سلطه بیگانگان قرار دارد. اهداف این نوع از ادله قرآنی و روایی، حکومت را به‌ضرورت یکپارچه‌سازی اراضی و جلوگیری از تقطیع مجدد آن‌ها جهت و سوق می‌دهند. تا از وابستگی اقتصادی در بخش کشاورزی نجات یابیم و راه سلطه کافران بر مؤمنان بسته شود.

افزایش قدرت اقتصادی: در کتاب و سنت، آیات و روایات متعددی وجود دارند که قدرت اقتصادی از اهداف آن است. از آن اهداف می‌توان بهره‌گرفت و به قانون‌گذاری در منطقه الفراغ پرداخت. چنان که خداوند می‌فرماید: «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ؛ در برابر آن‌ها (دشمنان) آن چه توانایی دارید از نیرو آماده سازید» (انفال / ۶۰). ظاهر آیه بیانگر تلاش برای تدارک نیروی نظامی است اما از نگاه اغلب مفسران، کلمه «مِنْ قُوَّةٍ» هر نیرویی را شامل می‌شود که توان اقتصادی از جمله آن‌هاست. بنابراین، از نیروهای اقتصادی، فرهنگی و سیاسی که در مفهوم «قوة» مندرج هستند و نقش بسیار مؤثری در پیروزی بر دشمن دارند، نباید غفلت کرد (۱۹: ۲۲۲). ائمه (ع) در موارد متعددی مسلمانان را به استقلال اقتصادی و عدم وابستگی به کفار سفارش کرده‌اند. امام صادق (ع) می‌فرماید: «كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (ع) يَقُولُ: لَا تَزَالُ هَذِهِ الْأُمَّةُ بِخَيْرٍ مَا لَمْ يَلْبَسُوا لِبَاسَ الْعَجَمِ وَ يَطْعَمُوا أَطْعِمَةَ الْعَجَمِ فَإِذَا فَعَلُوا ذَلِكَ ضَرَبَهُمُ اللَّهُ بِالذُّلِّ»؛ «امیرالمؤمنین (ع) همواره می‌فرمود: مادامی که این امت لباس بیگانگان را نپوشند و غذاهای آنان را استفاده نکنند، در خیر خواهند بود؛ ولی هنگامی که چنین کنند، خداوند آنان را ذلیل خواهد کرد» (۲: ۴۱۰). تأکید امیرالمؤمنین (ع) بر این است که وابستگی به بیگانگان امر مذمومی است و امت اسلامی هرگز نباید نیازمند و محتاج به بیگانه باشد.

اگر زمین‌های کشاورزی پراکنده و قطعه قطعه شده، دائماً کوچک‌تر شوند، قدرت اقتصادی جامعه نیز به موازات راندمان تولید کاهش می‌یابد. راه برون رفت از این وضعیت نامطلوب، یکپارچه‌سازی زمین‌ها و ممانعت از تقطیع مجدد آن‌هاست.

نهی از ضرر و ضرار: برطبق قاعده «لا ضرر» هیچ کس نمی‌تواند به خودش یا به دیگران ضرر برساند. این قاعده فقهی یکی از قواعدی است که به دخالت قانون‌گذارانه حاکم در جامعه کمک می‌کند. مهم‌ترین منبع این قاعده، حدیث معروف «سمره بن جندب» است. ترجمه اجمالی حدیث این است که سمره بن جندب، درخت نخلی در زمینی داشت که آن زمین در تملک مردی انصاری بود. خانه مرد انصاری هم در همان باغ قرار داشت. سمره هر بار بدون کسب اجازه از مرد انصاری به سراغ درخت خود می‌رفت. در واقع مزاحم حریم خصوصی وی بود. انصاری که از استیذان سمره ناامید شد، به رسول خدا شکایت کرد. حضرت پس از منع او از این کار و امر به کسب اجازه و یا فروش درخت به قیمت دلخواه و پاداش بهشتی، با امتناع سمره مواجه گردید. پس از آن، مرد انصاری را به کندن درخت امر کرد و فرمود: «لا ضرر و لا ضرار» (۲۰: ۲۱).

شهید صدر معتقد است: قاعده لاضرر، اگر به عنوان قاعده‌ای امضایی فهم شود که در پی تأیید ملاک و نکته اصلی در دسته‌ای از ارتکازات عقلایی است، می‌تواند به جای تعدادی از بناتات عقلاء بنشیند و مصدر فتوی گردد. بدون آن که به تحقق شرایط لازم در اعتبار سیره نیازمند باشد، چرا که قاعده لاضرر از سوی روایات متعدد و صحیحی پشتیبانی می‌شود. با ملاحظه به تمام مواردی که معصوم به عبارت لاضرر و لاضرار استناد کرده نشان می‌دهد که در آن مسائل، عرف پیشاپیش شرع، ممنوعیت اضرار به دیگران یا به خویشتن را می‌فهمید و شارع ملاک این ارتکاز عقلایی را امضا کرده است. این مبنا به ذهن مأنوس است و شاید بتوان ادعا کرد که عقل در درک این کبرای کلی که ضرر زدن به دیگران قبیح است، مستقل است؛ بنابراین، در موارد متعددی که این ارتکاز در میان مردم وجود داشته باشد، می‌توان قاعده را جاری نموده، حقوق عرفی زیادی را با آن اثبات کرد. به عبارت دیگر، در تطبیق قاعده پس از اذعان به صدق موضوع، نیازی به امساک بیشتر وجود ندارد (۲۵: ۲۸۳).

این حدیث، حاکم اسلامی را به نهی هر گونه ضرر بر جامعه مسلمین سوق می‌دهد. حکومت باید بر اساس جهت‌دهی حدیث لاضرر حکم به یکپارچه‌سازی اراضی خرد و پراکنده و جلوگیری از تقطیع مجدد آن‌ها را صادر نماید تا کشور اسلامی بیش از این متضرر نگردد.

#### مهار موانع اجتماعی یکپارچه‌سازی در چارچوب منطقه الفراغ

تحدید مالکیت افراد جامعه بر اراضی خرد: برای یکپارچه‌سازی اراضی هر روستا، رضایت همه کشاورزان آن روستا لازم است. راضی نبودن یک یا دو کشاورز موجب می‌شود که طرح یکپارچه‌سازی در آن روستا انجام نشود. افراد ناراضی، مخالفت خودشان را به استناد قانون مالکیت خصوصی ابراز می‌کنند. مبنای قانون مالکیت خصوصی در حقوق ایران قاعده تسلیط است. جمله‌ای از پیامبر (ص) که فرمود: «الناسُ مُسَلِّطُونَ عَلَىٰ أَمْوَالِهِمْ؛ مردم حق دارند بر اموال خود مسلط باشند» (۱۱: ۲۲۲).

قاعده لا ضرر به منظور محدود کردن اختیارات ناشی از همین قاعده تسلیط مقرر گردیده است. به موجب نظریه امام خمینی (ره)، قاعده لاضرر امری حکومتی و اجرایی است و فقط با قاعده تسلیط تعارض دارد و در مقام معارضه و برخورد، دایره اختیارات ناشی از آن را تحدید می‌کند. به اعتقاد ایشان، افرادی مانند سمره بن جندب با سوء استفاده از قاعده تسلیط، دایره اختیارات خود را به طور غیر منطقی توسعه داده بودند و تحت عنوان اعمال اقتدار مربوط به مالکیت باعث مزاحمت مردم می‌شدند، آن حضرت در اجرای وظایف حکومتی و رفع تضییق از مرد انصاری، قاعده لا ضرر را مقرر فرمود (۱۵: ۶۳).

به نظر شهید صدر، اگر عرف، مصداق ضرر را شناسایی کرد، دیگر نباید برای اجرای قاعده لاضرر امساک نمود. ایشان معتقدند امکان استنباط احکام وضعی از روایات، مسلم است و نفی این مطلب باعث می‌شود حدیث متقنی مانند حدیث سمره بن جندب، احکام وضعی موجود در خود مانند امر به کندن درخت را توجیه نکند. شهید صدر در تطبیق قاعده بر مورد حدیث سمره می‌نویسد: اگر لاضرر حکم ضرری را

نهی می‌کند، پس به استناد این روایت تنها باید از ورود سمره به خانهٔ مرد انصاری، بدون اجازه جلوگیری کرد، اما واضح است که پیامبر «لاضرر و لاضرار» را بر کندن درخت سمره و دور انداختن آن تطبیق نمودند (۲۵: ۲۱۲). قاعدهٔ لاضرر حکمی از احکام تکلیفی یعنی حرمت ضرررسانی است. این قاعده احکامی را تشریح می‌کند و پس از آن، احیاناً احکام تکلیفی و وضعی پیدا می‌شوند. گاهی این قاعده حقوق و مالکیت‌ها را تغییر می‌دهد و دیگر تغییرات و تصرفاتی که نفی ضرر و ضرار در اسلام مقتضی آن است (۲۵: ۳۲۱).

اصلاح سیاست‌گذاری ارضی ایجاب می‌کند که مالکیت افراد بر اراضی خرد و پراکنده محدود شود تا قطعات زراعی در ابعاد و مساحت‌های مناسب تجمیع گردد. از طرفی، دولت ملزم به جبران خسارت آن-هاست. زیرا شهید صدر در تفسیر «لا» از عبارت «لاضرر و لاضرار» می‌نویسد: «لا» از ضرر غیر متدارک منع می‌کند. یعنی به آدمیان خطاب می‌کند که ضرر به دیگران حرام است و باید آن را جبران نمایند. در این صورت، حدیث متضمن معنای ضمان هم هست (۲۵: ۳۰۱). بر طبق استدلال ایشان، جامعهٔ مسلمین نیز موظف به پرداخت ضرر ناشی از تجمیع اراضی خرد به مالکین آن‌هاست. زیرا منطقی نیست که هزینه‌های عمومی جامعه بر دوش گروهی خاص از مردم بیفتد. چنان که امام خمینی (ره) می‌فرماید: «هر چند اقدام دولت در سلب مالکیت افراد بدون توجه به خواست و ارادهٔ آن‌ها صورت می‌گیرد ولی عدالت اقتضا می‌کند که بهای مال تملک شده به صاحب آن پرداخت شود و خسارات احتمالی وارده بر او جبران گردد» (۱۴: ۱۷۱). بنابراین، بهای املاکی که مشمول تجمیع می‌شوند باید به صاحبان آن‌ها پرداخت شود. اعتبار آن می‌تواند از محل فروش اراضی تجمیع شده یا از سوی دولت تأمین گردد.

مهار قانون ارث با ایجاد تغییر در نحوهٔ اجرای آن: شهید صدر حکم حکومتی را از نوع حکم ثانوی می‌داند. بر این اساس، حکم حکومتی تنها در مواردی جاری می‌شود که حکم شرعی در موضوعی وجود نداشته باشد. از آن جایی که شهید صدر قائل به منطقهٔ الفراغ است، در اندیشهٔ وی «أطیعوا الله» در حوزهٔ اطاعت از دستورات خداوند در حوزهٔ احکام الزامی و «أطیعوا الرسول» در حوزهٔ دستورات غیر الزامی است که پیامبر بر اساس شأن حاکمیتی خود آن را صادر نموده است؛ بنابراین، آزادی عمل ولی‌امر، منحصر به آن دسته از اقدامات و تصمیماتی است که ذاتاً مباح اعلام شده است. به نظر ایشان، حاکم هرگز نمی‌تواند احکام شرعی را تعطیل یا متوقف سازد. از آن جایی که تقسیم اموال متوفی مورد توجه شارع بوده و احکام ارث در کتاب و سنت بیان شده است، جزء احکام شرعی محسوب می‌شود و برطبق نظریهٔ منطقهٔ الفراغ، سلب حق مالکیت وراثت از مال مورث آن‌ها جایز نیست.

کشورهای دیگر نیز با معضل تقطیع اراضی در اثر اجرای قانون ارث مواجه بوده‌اند. مشکل را با تغییر در نحوهٔ اجرای آن حل کرده‌اند. چنان که طی دوره فئودالی در غرب، حق نخست‌زادگی وجود داشت و برای جلوگیری از تقطیع اراضی، اراضی متوفی به ارشد اولاد او می‌رسید. در حال حاضر نیز در بعضی کشورها نظیر فرانسه، آلمان و سوئد تمهیداتی می‌اندیشند تا زمین نیز مانند خودرو، کارخانه و دیگر

دارایی‌های متوفی تقطیع نشود (۸: ۵۸). در کشور ما نیز ضرورت دارد ضمن رعایت جنبه شرعی موضوع و بدون آن که به حقوق وراثت خدشه‌ای وارد شود، در راستای مهار قانون ارث راهکارهای کارشناسی شده و دقیق تهیه گردد. قوانینی با ضمانت اجرایی کافی تصویب و به مورد اجرا گذاشته شود. راهکارهای زیادی برای مهار قانون ارث می‌توان یافت. راهکارهایی نظیر فروش کل اراضی به یکی از وراثت یا به غیر و تقسیم بهای آن مابین آن‌ها، یا انتخاب یکی از وراثت برای ادامه عملیات کشاورزی با نظر سایر وراثت و تقسیم درآمد حاصله مابین آن‌ها، یا زمین مال یک نفر و بقیه دارایی‌ها مال افراد دیگر بشود و یا ...

### بحث و نتیجه‌گیری

۱. سیاست‌گذاری‌های ارضی در رژیم گذشته و در جمهوری اسلامی که توسط افراد فاقد تخصص تدوین و اجرا شد، منجر به خردی و پراکندگی زمین‌های کشاورزی گردید. اراضی تقطیع شده، در اثر اجرای قانون ارث در هر نسل خردتر و پراکنده تر می‌شوند.
۲. خردی و پراکندگی زمین‌های کشاورزی در ایران مانع استفاده بهینه از منابع آب و خاک گردیده، امنیت غذایی کشور را به مخاطره می‌اندازد. اصلاح سیاست‌گذاری ارضی مستلزم یکپارچه‌سازی زمین‌های خرد و ممانعت از تقسیم مجدد آن‌هاست.
۳. برخی از مالکین اراضی خرد به استناد قوانین مالکیت خصوصی و ارث، مانع اجرای یکپارچه‌سازی می‌شوند. پدیده اجتماعی که از کنش اجتماعی آن‌ها در برابر اعضای دیگر یک جامعه شکل می‌گیرد، مانع اجرای طرح در سطح کل جامعه می‌شود.
۴. قاطبه ملت ایران از اعتقادات مذهبی برخوردارند. از این رو، ایجاد تغییرات ساختاری در فرایند توسعه اقتصادی مستلزم راهکاری سازگار با باورهای دینی آن‌هاست.
۵. بر طبق نظریه منطقه الفراغ، سیاست‌گذاری ارضی از احکام ثابت شریعت نیست و از سنخ احکام حکومتی محسوب می‌شود. دین به ولی‌امر اجازه داده که سیاست‌های گذشته را با توجه به مقتضیات زمان در قلمرو منطقه الفراغ اصلاح نماید و مفسده سیاست‌گذاری‌های قبلی را منتفی می‌سازد.
۶. مبنای فقهی مالکیت خصوصی، قاعده تسلیط است. حکومت می‌تواند به لحاظ تقدم قاعده لاضرر بر قاعده تسلیط، مالکیت خصوصی افراد بر اراضی خرد را تحدید نماید. اما قانون ارث مبنای قرآنی دارد و از احکام ثابت شریعت است، قابل تغییر نیست. ممانعت قانون ارث از طرح یکپارچه‌سازی، فقط ضمن ایجاد تغییر در نحوه اجرای آن قابل رفع است.

### تعارض منافع

«بنا بر اظهار نویسندگان، مقاله حاضر فاقد هر گونه تعارض منافع بوده است.»

## منابع

1. Akbarpour, M. & Mirzaei Qale, F. (2016). Land Reforms and Rural Development in Iran. Mahkameh Publications.
2. Barqi, A; bin M, bin K. (1992). Al-Mahasen (Vol. 2, 2nd ed.). Dar al-Kutub al-Islamiyya.
3. Bayat, M. & Azizpour, F. (2014). An analysis of the effective factors in the fragmentation of agricultural land in Khomein city (case example: olia Mishijan village). Regional Planning Quarterly, 5th year.
4. Durkheim, E. (2013). Rules of Sociological Methodology (A. M. Kardan, Trans., 6th ed.). Tehran University Press.
5. Eftekhari, A. R. (1995). Examining different viewpoints related to the process of agricultural land integration (parts one and two). Geographical Research Quarterly.
6. Foran, J. (1999). Brittle resistance (A. Tadayyon, Trans., 2nd ed.). Rasa Publishing House
7. Golabi, S. (1993). Principles and foundations of sociology. Ferdous.
8. Hashemi, S. B; Fallah, A. & Hashemi, S. B. (2014). Expropriation of private lands for public benefit. In S. B. Hashemi (Ed.) , Proceedings of the first national conference on land management in Iran (Vol. 1). Planning Research Institute, Agricultural Economy and Rural Development. Management of research services.
9. Hooglund, E. J. (2002). Land and revolution in Iran, 1960-1980 (F. Mohajer, Trans.). Shirazeh Publishing.
10. Hurr Ameli, M. bin H. (1993). Shiite means to collect Sharia issues.
11. Ibn Abi Jumhor, M; bin A. bin I. Ahsai. (1982). Awali Al-Leali Al-Azizia fi Al-Ahadith al-Diniya (Vol. 4, 1st ed.). Qom: Seyyed al-Shohada.
12. Jafari, Y. (1997). Tafsir Kausar. Hijrat Publications Institute.
13. Kalantari, K; Hosseini, S. M. & Abdollahzadeh, G. (2005). Organizing and integrating agricultural lands using the experiences of Eastern European countries. Village and development magazine, eighth year.
14. Khomeini, R. (Imam). (1988). Noor book. Ministry of Culture and Islamic Guidance.
15. Khomeini (Imam), R. (2006). Al-Rasael (Vol. 1). Ismailian.
16. Koleini, M. (1972). Al-Kafi (Vol. 1). Tehran.
17. Koleini (Abu Ja'far), M. bin Y. (2007). Al-Kafi. Qom: Dar al-Hadith for printing and publishing.
18. Lambton, A. K. S. (2015). Land Reforms in Iran 1961-1966 (M. Ishaqian, Trans.). Amir Kabir Publications.
19. Makarem Shirazi, N. (1989). Jurisprudential rules (Vol. 1, 3rd ed.). Isfahan: Imam Amir al-Mu'minin School.
20. Mazloun, A; Nasiri Jahanabad, E. & Hajti, F. E. (2017). Explanation of the rule of no harm in jurisprudence. Journal of National Research (2nd ed.).
21. Mohseni, M. (2017). Introduction to Sociology (Bija, 2nd ed.).
22. Najafi, M. H. (1983). Jawahar al Kalam (Vol. 29). Beirut: Dar Ahya Al-Trath al-Arabi.
23. Rabizadeh, A. (2017). Public Law, Systematic Knowledge. Sadid.
24. Sadr, M. B. (1989). Al-Islam Yaqud al-Hayya, a preliminary jurisprudential overview. Beirut: Dar al-Taarif al-Matbouat.
25. Sadr, S. M. B. (1999). No-harm rule. Qom: Dar l-Sadiqin for printing and publishing.
26. Sadr, S. M. B. (2003). Our Economy. Shahid Sadr Specialized Scientific Research Institute.
27. Sadr, S. M. B. (1996). Our economy. School of Islamic Studies.



- 
28. Sadr, S. M. B. (2012). *The Principles of Principles* (Vol. 3). Qom: Dar al-Bashir.
  29. Shirzad, H. (2007). Consolidation of lands as a collective decision of peasants. *Jihad magazine*.
  30. Sodagar, M. (1977). *Feudalism System in Iran*. Golshan Publications.
  31. Tabatabaei, M. H. (2004). *The balance in the interpretation of the Qur'an* (Vol. 10). Qom: Islamic Publishing Corporation
  32. Tabibi, H. (1985). *Basics and Principles of Sociology* (7th ed.). Islamic Bookstore.
  33. Taqvai, M. (1997). Introduction and time-spatial comparison of effective factors in fragmentation and dispersion of agricultural land and the problem of integration. Faculty of Literature and Human Sciences, Isfahan University.